

تبیین رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها (نمونه موردی موزه میراث روستایی گیلان)

نازنین اسلامی*

دانش‌آموخته دکتری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

چکیده

با مصرف بی‌رویه انرژی و مخاطرات ناشی از آن، که به نگرانی جهانی تبدیل شده است، روزبه‌روز توجه به فناوری‌های بومی اهمیت بیشتری می‌یابد. در فرایند جهانی شدن، تنوعات فرهنگی محلی رو به تهدید رفته‌اند و در این میان دغدغه تضعیف ریشه‌های هویتی متنوع و به‌ویژه اختلافات فرهنگی متعلق به جمعیت‌های روستایی، همواره به عنوان چالش اصلی مباحث بین‌المللی مطرح بوده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها تدوین شده است تا به این سوالات پاسخ داده شود: رویکرد اکوزوفی چه نقشی در ارتقای بحث پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها دارد؟ اکوموزه‌ها چگونه می‌توانند با در نظر گرفتن این رویکرد ضمن توسعه برخی از توان‌های محیطی‌شان، نقش معناداری در زمینه شناخت و ادراک فضای سنتی خرده فرهنگ‌ها را ایفا کنند؟ این پژوهش به‌صورت تطبیقی و با رویکردی کیفی به کمک مطالعات اسنادی صورت‌گرفته است که در آن از روش تحقیق تاریخی-تفسیری در بخش گردآوری مبانی نظری-تاریخی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در زمینه بررسی نمونه مورد مطالعه (موزه میراث روستایی گیلان) استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمام اکوموزه‌ها می‌باشند و جامعه نمونه شامل آن تعداد از اکوموزه‌ها می‌باشند که از نظر شباهت‌های کالبدی و عملکردی دارای قرابت‌های سبک‌شناسانه می‌باشند. در نهایت مدل تحلیلی پژوهش براساس تطبیق رویکرد اکوزوفی از دیدگاه گاتاری و رویکردهای زمینه‌گرایی، پایداری اجتماعی و معماری زیست‌واره طراحی شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند در مقایسه تطبیقی هریک از مولفه‌های اکوزوفی در سه سطح اکولوژی ذهنی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی طبیعی با رویکردهای مورد بررسی (شامل پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و معماری زیست‌واره) شباهت‌های معناداری وجود دارد و این شباهت‌ها در اکوموزه‌ها و به ویژه موزه میراث روستایی گیلان در قالب شباهت‌های عینی، عملکردی و کالبدی تجلی یافته است. اکوموزه‌ها با بهره‌گیری از رویکردهای نوین پایداری اجتماعی و زمینه‌گرایی فرهنگی صورت و معنای جدیدی از واژه‌های میراث، حفاظت و آموزش را به بازدیدکنندگان و خرده فرهنگ خود هدیه می‌دهند.

واژگان کلیدی: اکوموزه، اکوزوفی، پایداری اجتماعی، پایداری محیط‌زیست، موزه میراث روستایی گیلان.

* نویسنده مسئول: E-mail: nazanin_eslami89@yahoo.com

مقدمه

اگر قرن بیستم، قرن شهرنشینی و زندگی شهری نامیده شود؛ چرا که پیش از این، هرگز، در تاریخ بشر شهرنشینی چنین رواجی نداشته بود. قرن جدیدی که از راه رسیده است، مردمی را یافته که بسته‌هایی از زندگی روستایی با خود همراه داشته‌اند، اما در جهانی شهرنشین زندگی می‌کنند. با گسترش شهرنشینی و سرعت در ساخت‌وسازهای جدید دو نکته متقابل قابل مشاهده است؛ از طرفی گسترش بی‌رویه و سرعت در ساخت‌وسازها تا حدودی جوابگوی نیازهای کمی و مادی زندگی انسان بوده است و از طرف دیگر، باعث نزول جنبه‌های کیفی و گاه بی‌توجهی به عرصه‌های معنایی، فرهنگی و روانی در زندگی انسان گردیده است. در دوران معاصر جنبه‌های متعالی و معنایی در مقام بازبینی قرار گرفته‌اند. و همچنین نظریه‌هایی واجد ارزش نیز در سایر حوزه‌ها از جمله روانشناسی مطرح شده است. با توجه به اینکه معماری و شهرسازی به عنوان حوزه‌ای فراگیر و مرتبط با سایر دانش‌ها است، از این نگرش‌های جدید بی‌بهره نبوده است. اما از آنجا که این حرکت‌ها در ابتدای راه است جا دارد تا بر اساس رویکردهای جدید در تعاریف و مفاهیم پایه بازنگری شود (اخوان خرازی، ۱۳۸۷، ۵۲).

در خلال جریان‌های اکولوژیکی قرن گذشته، افرادی همچون فیلیکس گاتاری، جامعه‌شناس فرانسوی، پیش‌بینی مخاطرات اکولوژیکی‌های زندگی انسان را ترسیم کرده است. این مخاطرات نتیجه تأثیرات طولانی مدت جهان تحت تأثیر پیشرفت‌های فناوری و صنعتی قرن‌های گذشته می‌باشد. فیلیکس گاتاری، به عنوان یک اندیشمند سعی نموده است تا وابستگی‌های میان محیط‌های حیات بشر را در سه لایه اکولوژیکی‌های زیست محیطی، اجتماعی و فردی به نمایش درآورد. "سیاره زمین دوران شدیدی از دگرگونی‌های علمی-تکنولوژیکی را تجربه می‌کند. این تغییرات نتیجه تحقق پدیده‌هایی است که تعادل بوم‌شناختی (اکولوژیک) زمین و آینده حیات بر روی کره زمین را تهدید می‌کند". گاتاری با تحلیل شرایط کنونی جهانی، اصولی را برای پاسخ به چالش‌های اکولوژیکی حاضر پیشنهاد می‌کند: این اصول همگی بر پایه راه‌حلی از جنس اکوزوفی^۱ می‌باشند (Guattari, 1989). علاوه بر مسایل اکولوژیکی، تاریخ همواره وجه مهمی از زندگی بشر بوده است. قرن‌ها، انسان‌ها تلاش کرده‌اند به وسیله نویسندگان، شاعران و خوانندگان آوای بومی گذشته‌شان را به تجسم درآورند. می‌توان گفت که تاریخ و رجوع به آن یک نیاز اجتماعی محسوب می‌شود تا بتوان از آن طریق، با بازگشت به ریشه‌ها احساس هویت کرد. در دنیای امروز این موزه‌ها هستند که نقشی مهم در حفظ و باززنده‌سازی تاریخ و میراث قومی و ملی ایفا می‌کنند. در این زمینه موزه‌های فضای باز نقش بسزایی را در صیانت از میراث بومی و فرهنگی بازی می‌کنند. چون بازدیدکننده موزه می‌تواند جنبه‌های مختلف زندگی بومی را از نزدیک لمس کند، رنگ‌ها، طعم‌ها، آواها و حتی محیط طبیعی را آنگونه که بوده ببیند و نیز حضور فعال و مشارکت اجتماعی داشته باشد. موزه‌های فضای باز، نمونه کامل یک فرهنگ یا خرده فرهنگ، یا بخش‌هایی از آن را به طور زنده و در مقیاس واقعی به نمایش می‌گذارند (کریومی، ۱۳۷۴، ۴۲). این موزه‌ها برای مردم ساخته شده و آن‌ها بازیگران اصلی‌اش هستند. اصلی‌ترین زمینه ایجاد موزه‌های فضای باز، صیانت از میراث بومی و انتقال آن به نسل‌های آینده است که سبب شده این نوع موزه‌ها، اشتراکات زیادی با هم داشته باشند. موزه‌های روستایی غالباً وقتی شکل می‌گیرند که جنبه‌هایی از فرهنگ محلی و ملی در خطر فراموشی باشند. مقیاس واقعی بناها و اشیاء، امکان دسترسی بدون واسطه بازدیدکنندگان و لمس زندگی روستایی از نزدیک، همچنین نوع فعالیت‌هایی که در موزه‌های روستایی انجام می‌شود از جمله این اشتراکات محسوب می‌شوند. شکل‌گیری موزه‌های فضای باز در واقع بر اساس جمع‌آوری و دوباره‌سازی ساختمان‌ها و خانه‌های قدیمی در مکان دیگر است (حبیبی زاد، ۱۳۸۷، ۶۱). تجربه ملی در

زمینه صیانت از فرهنگ و معماری روستایی با مفهوم موزه فضای باز در ایران، موزه میراث روستایی گیلان است. این پژوهش در تلاش است تا با تحلیل و بررسی زوایای گوناگون مرتبط با موضوع به بررسی نقش رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها بپردازد. با توجه به موارد فوق اهداف تحقیق به شرح زیر ارایه می‌شوند:

ارتقا زمینه‌های مدون علمی در حوزه اکوزوفی در جهت دستیابی به الگوی کارآمد در برپایی موزه‌های فضای باز در ایران، صیانت از میراث فرهنگی و بومی، اشاعه میراث قومی و بازگشت به طبیعت، شناسایی و اشاعه شاخص‌های فرهنگی بومی پایدار، از طریق باززنده سازی و احیا روش‌های زندگی روستاییان، شکل‌گیری اولین موزه‌های فضای باز با مفهوم واقعی در اسکاندیناوی بوده است. پیدایش و توسعه این موزه‌ها در اسکاندیناوی می‌توانست به دلیل نداشتن جنگ‌های بزرگ، شکوفایی اقتصادی و آگاهی مردم از تهدید فرهنگ به واسطه صنعت و همچنین سبک معماری چوبی که به سهولت جابجایی بنا را ممکن می‌ساخت، باشد. در گیلان و بعد از زمین‌لرزه سال ۱۳۶۹ ه.ش. که موجب ویرانی بخش قابل توجهی از میراث ملموس روستایی شد، و از طرف دیگر تحت تاثیر تحولات اخیر جهانی، پاسخی به بحران حاضر در قالب یک موزه فضای باز، شکل گرفت. اندیشه صیانت از میراث از فرهنگ غنی و معماری روستایی گیلان منجر به طرح ایجاد اولین موزه فضای باز در ایران گردید و مطالعات مقدماتی آن از اوایل سال ۱۳۸۱ ه.ش. آغاز شد. برپایه انجام این مطالعات از بین گزینه‌های مختلف، پارک جنگلی سراوان انتخاب شد و ۲۶۳ هکتار از بخش مرکزی این پارک به سایت موزه میراث روستایی اختصاص یافت. از سوی دیگر می‌توان اذعان نمود اکوموزه‌ها نقش بسزایی در توسعه بوم‌گردشگری در جهان دارند به طوری اسناد و مدارک مورد بررسی نشان داده است که در مورد موزه میراث روستای گیلان از سال ۱۳۸۵ ه.ش. تا فروردین سال ۱۳۹۵ ه.ش. بیش از یک میلیون نفر از موزه بازدید کرده‌اند (گزارش عملکرد موزه میراث روستایی گیلان، ۱۳۹۵، ۱۳).

همچنین تاکنون تحقیقات فراوانی در ارتباط با چگونگی دستیابی به پایداری فرهنگی در جوامع سنتی گوناگون انجام شده است ولیکن مطالعات شفاف پیرامون بررسی نقش رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها صورت نگرفته است. با توجه به اینکه تاریخچه پیدایش اکوموزه‌ها به ویژه در ایران سابقه طولانی ندارد اطلاعات و بررسی‌های مدون موجود درباره ویژگی‌ها و نقش آن‌ها در حوزه پایداری فرهنگی بسیار کم و نادر و مختصر می‌باشد. تنها در برخی از طرح‌های پژوهشی که توسط پژوهشکده تحقیقات کاربردی فرهنگ ایرانی دانشگاه تهران زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری منتشر شده و مقالات منتشر شده در نشریه کندوج (وابسته به میراث فرهنگی) به بررسی این موضوع پرداخته شده است. در مراجعه به کتاب‌های مربوطه، اثری که به طور ویژه به بررسی رویکرد اکوزوفی و نقش آن در پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها پرداخته باشد، یافت نشد و حتی مقاله‌ای تحت این عنوان نیز یافت نشد. از این جهت پژوهش حاضر می‌تواند گامی نوآورانه در جهت پیشبرد و گسترش رویکرد اکوزوفی و نقش آن در پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها و بازتاب مفاهیم آن در خرده فرهنگ‌ها باشد.

در این پژوهش سعی بر آن است تا در مورد مراحل مختلف تحول دیدگاه جامعه در مورد میراث/حفاظت و آموزش صحبت شود، تحولی که در حقیقت منعکس‌کننده تغییرات مهم و عمیق در جامعه است. از این رو چهارچوب پژوهش بر اساس بررسی دیدگاه فیلیکس گاتاری، اندیشمند مشهور فرانسوی، در مطالعه تطبیقی مفهوم اکوزوفی در ارتباط بین کالبد، محیط‌زیست و نیازهای انسانی به عنوان سه عامل تاثیرگذار بر کیفیت طراحی کالبد در نظر گرفته شده است و بر مبنای آن مدل اولیه پژوهش طرح‌ریزی شده است. سپس با توجه به مبانی نظری مدل دیگری در ارتباط با برهمکنش مفهوم اکوموزه با رویکردهای زمینه‌گرایی فرهنگی _ اجتماعی / پایداری اجتماعی و معماری با الهام‌گیری از طبیعت^۲ ارایه شده است و در نهایت مدل اصلی پژوهش بر اساس ارتباط دو مدل اول شکل گرفته و مولفه‌های

مشترک آن‌ها استخراج شده‌اند. در بخش تجزیه تحلیل اطلاعات، نمونه موردی انتخاب شده (موزه میراث روستایی گیلان) با توجه به مولفه‌های به دست آمده در هر حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، فرضیات پژوهش این‌گونه مطرح می‌شوند که در مقایسه تطبیقی هر یک از مولفه‌های اکوزوفی در سه سطح اکولوژی ذهنی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی طبیعی با رویکردهای مورد بررسی (به ترتیب شامل پایداری اجتماعی، زمینه گرایی فرهنگی - اجتماعی و معماری زیست‌واره) شباهت‌های معناداری وجود دارد و این شباهت‌ها در اکوموزه‌ها و به ویژه موزه میراث روستایی گیلان (که نمونه موردی منتخب پژوهش می‌باشد) در قالب شباهت‌های عینی، عملکردی و کالبدی تجلی یافته است. اکوموزه‌ها با بهره‌گیری از این رویکردهای نوین (و مولفه‌های مشترک در حوزه اکوزوفی، پایداری اجتماعی و زمینه‌گرایی فرهنگی)، صورت و معنای جدیدی از واژه‌های میراث، حفاظت و آموزش (که رسالت اصلی انگاره اکوموزه‌ها می‌باشد) را به بازدیدکنندگان و خرده فرهنگ‌ها انتقال می‌دهند.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات بسیاری در ارتباط با چگونگی دستیابی به پایداری فرهنگی در جوامع سنتی گوناگون انجام شده است اما مطالعات شفافی پیرامون بررسی نقش رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایداری میراث بومی اکوموزه‌ها صورت نگرفته است. با توجه به اینکه تاریخچه پیدایش اکوموزه‌ها به ویژه در ایران سابقه طولانی ندارد اطلاعات و بررسی‌های مدون موجود درباره ویژگی‌ها و نقش آن‌ها در حوزه پایداری فرهنگی بسیار کم و مختصر می‌باشد، لذا در راستای دستیابی به اهداف پژوهش؛ کتب و مقالاتی که مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۱ نشان داده شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. پیشینه پژوهشی تحقیق (نگارنده)

بعد	نوع	نام	سال	عنوان	توضیحات
اکوموزه	کتاب	دیوید داسام	۱۳۸۷	راهنمای تشریحی راه‌اندازی موزه با نگاهی به اکوموزه	این کتاب به بررسی مفاهیم مربوط به اکوموزه و اکونوموزه، شناسایی اهداف و نیازها و ارزیابی نقش کاربران در این موزه‌ها پرداخته است.
	مقاله	مهناز اشرفی	۱۳۸۹	بررسی مقایسه‌ای مفهوم اکوموزه با موزه‌های سنتی	این مقاله به بررسی شیوه‌های نوین صیانت از میراث فرهنگی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که برای دستیابی به پایداری فرهنگی هر چه بیشتر باید اصل مشارکت اهالی در اکوموزه‌ها باید به مفهومی وسیع‌تر و پایدارتر به نمایش گذاشتن سنن باشد.
	کتاب	فرزاد کلاتتری و محسن رنجبر	۱۳۹۳	اکوموزه و گردشگری زیست محیطی	این کتاب به بررسی نقش اکوموزه‌ها در توسعه گردشگری پایدار می‌پردازد.
اکوزوفی	کتاب	Felix Guattari	1989	Trois Ecologies	گاتاری در این کتاب به بررسی اکولوژی زیست‌محیطی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی فردی (ذهنی) می‌پردازد و برهمکنش این سه اکولوژی را، در راستای دستیابی به معرفت زیستن تحت عنوان "اکوزوفی" مطرح می‌کند.

این مقاله به بررسی تأثیرات متقابل فرهنگ و فضای سکونت مردم می‌پردازد.	فرهنگ و مسکن	۱۳۹۰	شهرام پوردیهیمی	مقاله	فرهنگ
این کتاب به بررسی رویکردهای مختلف مردم شناسان، جامعه شناسان، زبان شناسان و روانشناسان نسبت به فرهنگ می‌پردازد.	زمینه فرهنگ‌شناسی	۱۳۸۶	محمود روح الامینی	کتاب	
این کتاب به بررسی جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده محیط در نزد استفاده‌کنندگان و بررسی تأثیر فرهنگ و محیط‌های ساخته شده بر روی رفتار کاربران می‌پردازد.	معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی	۱۳۹۱	آموس راپاپورت	کتاب	زمینه‌گرایی
این کتاب به بررسی رویکردهای زمینه‌گرایی می‌پردازد و ضرورت‌های طرحی کالبدی های شهری بر اساس متن و زمینه ای که در آن قرار گرفتند را بیان می‌کند.	معماری زمینه‌گرا	۱۳۸۶	برنت برولین	کتاب	
این مقاله به بررسی رویکردهای مختلف زمینه‌گرایی در طراحی کالبدی گوناگون شهری می‌پردازد.	زمینه‌گرایی در شهر سازی	۱۳۸۰	نوبین تولایی	مقاله	
این کتاب به بررسی طراحی‌های گوناگون در عرصه معماری، صنعت و... با الهام‌گیری از طبیعت تحت سه روند الهام‌گیری از اندام های گیاهان و جانوران، رفتارهای آنان و چرخه‌های طبیعت می‌پردازد.	معماری زیست‌مینا	۱۳۸۹	هادی محمودی نژاد	کتاب	معماری زیست‌واره

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به هدف آن، تحقیق نظری با رویکرد کیفی است که در دو مرحله مختلف، از طریق روش تحقیق تفسیری-تاریخی در بعد موضوعات نظری تاریخی که در حوزه معماری نیز موثر است و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در بعد تحلیل جامعه نمونه به صورت موردی انجام شده است. این پژوهش در جست‌وجوی آن است تا از طریق تحلیل نمونه‌ها به بررسی نقش رویکرد اکوزوفی در ارتقای پایدارسازی میراث بومی اکوموزه‌ها بپردازد. بدین ترتیب در گام اول، به منظور استخراج داده‌ها و طبقه‌بندی مطالعات در جهت شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار در سه حوزه فرهنگ، محیط‌زیست و نیازهای انسانی از نظریات اندیشمندان در این سه حوزه نظیر فیلیکس گاتاری (در حوزه اکوزوفی) و دیویس (در حوزه انگاره اکوموزه) بهره برده شد در مرحله دوم، پس از استخراج ویژگی‌ها و مولفه‌های تأثیرگذار در سه حوزه فرهنگ (زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی)، محیط‌زیست (معماری با الهام‌گیری از طبیعت) و نیازهای انسانی (پایداری اجتماعی) به طور تطبیقی با انگاره اکوموزه و مباحث مرتبط با اکوزوفی تطبیق داده شد و مولفه‌های مشترک استخراج گردید. سپس با مطالعه جامعه آماری شامل اکوموزه‌های بالنبرگ، الزاس، اسکانسن، آرناهم (به دلیل نزدیک تر بودن به بازه زمانی احداث موزه میراث روستایی گیلان و نیز به دلیل تشابه در ویژگی‌های ساختاری اکوموزه‌ها مانند باززنده‌سازی زندگی روستایی، ابزارها، صنایع دستی و باززنده سازی در حوزه گیاهی، جانوری و بناها) و سپس موزه میراث روستایی گیلان به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید و هریک از مولفه‌های استخراج شده در اکوموزه انتخاب شده (موزه میراث روستایی گیلان) مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج پژوهش ارائه گردید.

■ مبانی نظری

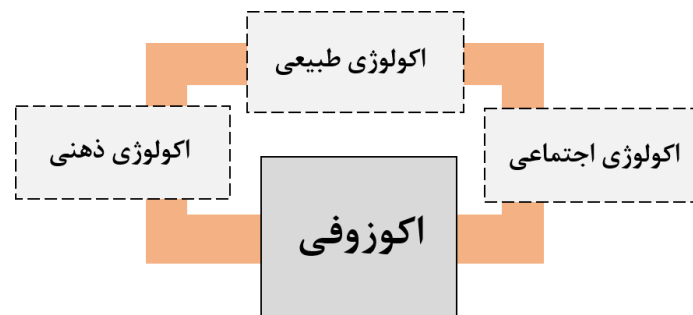
با افزایش توان فناوری‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی، تعادل زیست‌محیطی، در دو قرن حاضر به زیان طبیعت بر هم خورده است. از این رو متخصصان و کارشناسان کوشیده‌اند تا با بررسی عمیق، راه‌کارهایی را جهت آگاه‌سازی افراد و تجدید نظر عمیق در تعهدات و مسئولیت‌پذیری مشترک انسان‌ها برشمارند. در این راستا، فیلیکس گاتاری اندیشمند فرانسوی، مفهوم اکوزوفی را به عنوان راهکاری برای هماهنگی یا تعادل بوم‌شناسی مطرح می‌کند. واژه اکوزوفی نخستین بار توسط فیلسوف معاصر آرنی نائس^۳ در دانشگاه اسلو در سال ۱۹۶۰ م. به کار برده شد. در این زمان که در ابتدای شکل‌گیری نهضت‌های اکولوژیک قرار می‌گیرد، آرنی نائس به تخریب و اصلاح ذهنیت جهان‌بینی انسان معاصر می‌پردازد. در مقاله‌ای در سال ۱۹۷۳ م. با عنوان "نهضت اکولوژیک سطحی و نهضت اکولوژیک عمیق" چنین می‌گوید: "حق مساوی حیات و تولیدمثل (برای تمام گونه‌ها) یک حق بدیهی و ارزشی محوری است. محدود ساختن این حق به انسان‌ها یک (نوع) انسان محوری است که تبعات مخربی بر کیفیت زندگی از جمله کیفیت زندگی خود انسان‌ها دارد" (Naess, 1973, 96). بدین ترتیب بر خلاف ذهنیت پیشین بشر- که نتیجه حکمت یونانی است- بیان می‌دارد که انسان در صدر سلسله مراتب موجودات زنده جهان قرار نگرفته است بلکه خود او جزئی از کلیت این جهان به شمار می‌رود.

■ رویکرد اکوزوفی در بوم‌شناسی معاصر

اکوزوفی در آغاز جنبش اکولوژی (بوم‌شناسی) به نام "اکولوژی ژرف" خوانده می‌شد که خواستار تغییر و دگرگون ساختن دیدگاه انسان بود. در پیرامون این دیدگاه، اکوزوفی به عنوان یک گرایش فکری جنبش زیست‌محیطی از سال ۱۹۶۰ م. توسعه یافته است. این جریان بسیار نزدیک به جنبه‌های اخلاقی محیط‌زیستی است که انسان را به عنوان معیار اندازه‌گیری همه چیز به چالش می‌کشد. در واقع آنچه گاتاری از طرح اصطلاح اکوزوفی به عنوان راهکاری برای خروج از بحران حاضر ارایه می‌نماید، ترجمان اکوزوفی به عنوان "معرفت زیستن" است. معرفت انسان به محیط زندگی‌اش (اکولوژی زیست محیطی) در ارتباط با آگاهی وی از ارتباطات و تعاملات اجتماعی‌اش (اکولوژی اجتماعی) قرار دارد و در این تعاملات هویت فردی (اکولوژی فردی) او شکل می‌گیرد. این سه رشته در هم تنیده چنان در آمیزش با یکدیگر قرار می‌گیرند که گاه تمییز دادن عناصر و ارکان مربوط به هریک از آن‌ها به سادگی میسر نمی‌باشد. فیلسوف فرانسوی فیلیکس گاتاری مفهوم اکوزوفی را در کتاب خود به نام "سه اکولوژی" توسعه داد. آنچه او در کتابش برای "اکولوژی جهانی"، خواستارش بود نوع جدیدی از اکوزوفی همراه با جنبه‌های عملی، نظری، اخلاقی و زیبایی‌شناسی بود. این موارد شامل اکولوژی زیست‌محیطی برای گزارش به طبیعت و محیط‌زیست، اکولوژی اجتماعی برای گزارش به اجتماع و واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی و اکولوژی فردی (ذهنی)، مساله تولید ذهنیت و فردگرایی انسان می‌شود (Guattari, 1989, 15).

ریشه "اکو" در زبان یونانی اصیل اشاره به OIKOS دارد که می‌گویند: خانه، خانگی، زیستگاه، محیط‌زیست طبیعی. سوفیا در دانش یونانی، به معنی حکمت (معرفت) است که می‌توان یک ترجمه تحت‌اللفظی از اکوزوفی را به عنوان "معرفت زیستن" قلمداد کرد، قانون اساسی که توسط هر یک جنبه‌های زیست‌محیطی یک بوم مشخص می‌شود (اشرفی، ۱۳۸۹، ۶۴). در واقع اکوزوفی، ابزارها و راهکارهایی را شامل می‌شود که سعی در خلق ارتباط انسان و ایجاد معرفت برای وی نسبت به زمینه‌های زندگی‌اش دارد. گاتاری معتقد است که دیدگاه‌های زیست‌محیطی مرسوم پیچیدگی روابط بین انسان و محیط طبیعی خود را از طریق حفظ جدایی دوگانه سیستم‌های انسانی (فرهنگی) و غیر

انسانی (طبیعی) مبهم می‌کند. او به اکوزوفی به عنوان یک گرایش جدید با رویکرد وحدت‌گرایانه و کثرت‌گرا می‌نگرد. از آن پس، اکولوژی در مفهوم گاتاری، مطالعه پدیده‌های پیچیده است، از جمله ذهنیت انسانی، محیط‌زیست و روابط اجتماعی که همگی به طور پیوسته‌ای به هم متصل هستند. گاتاری در برابرخواست‌های کل‌گرایی مقاومت کرده است، ترجیح‌اش بر تاکید روی ناهمگنی و اختلاف، سنتز مجموعه و چندگانگی به منظور ردیابی ساختارهای ریزوموار به جای ایجاد ساختارهای یکپارچه و جامع است (Guattari, 1989, 17). بر این اساس نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش بر اساس تاثیر برهم کنش اکولوژی طبیعی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی ذهنی در دیدگاه اکوزوفی بر اساس دیدگاه فیلیکس گاتاری را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش بر اساس تاثیر برهم کنش اکولوژی طبیعی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی ذهنی در دیدگاه اکوزوفی (نگارنده براساس دیدگاه فیلیکس گاتاری)

■ انگاره اکوموزه

اکوموزه از لحاظ ریشه‌شناسی، واژه‌ای فرانسوی است و بر بوم‌شناسی تاکید دارد. این واژه را اولین بار اوگ دو وارین^۴ در سال ۱۹۷۱ م. به کار برد. وی اکوموزه را به عنوان یک مفهوم همیشه در حال تکامل تعریف کرد. در این زمینه پیتر دیویس اکوموزه را چنین تعریف می‌کند "اکوموزه پروژه‌ای میراثی است که بر توسعه پایدار پایه‌گذاری می‌شود" (Davis, 1999). واژه اکوموزه از دو کلمه یونانی گرفته شده است:

Oikos: به معنای خانه (توافق تاریخی فرهنگی به وضعیت‌های طبیعی و احاطه‌کننده جامعه) و **Museion**؛ یک مجموعه اشیا را معنی می‌دهد (اعم از جاذبه‌های علمی یا فرهنگی). این لغت مرکب از اکولوژی و موزه است، در این مورد مقصود اکولوژی انسانی است. واژه اکولوژی اغلب مفهوم گسترده‌ای از محیط طبیعی و اجتماعی را دربر می‌گیرد (داسام، ۱۳۸۷ : ۸۶). اکوموزه موزه‌ای بدون دیوار است. اکوموزه‌ها تمامی‌شان با تمرکز بر روی رابطه همزیستی بین انسان و طبیعت توضیح داده شده‌اند. اکوموزه بنابر هدفی که پیش‌رو خواهد داشت، می‌تواند انواع متنوع و گوناگونی را شامل شود. این گونه‌ها با توجه به انواع و اندازه می‌تواند کاملاً متفاوت با دیگری باشند و در هر حال اکوموزه کلیه موزه‌های اجتماعی را (چه در شهر و چه در روستا) پوشش می‌دهد (حبیبی زاد، ۱۳۸۷، ۶۱). در سال ۱۹۹۹ م. پیتر دیویس اکوموزه را در کتاب خود با عنوان "حس یک مکان" به گردن‌بند و مولفه‌های آن (یعنی جامعه، میراث، آداب و رسوم، طبیعت، خاطرات، سرزمین و چشم‌انداز) را به مرواریدهای این گردن‌بند تشبیه می‌کند (Davis, 1999). این اساس نمودار ۲. مدل اولیه پژوهش بر اساس هم‌پیوندی دیدگاه اکوزوفی گاتاری و انگاره اکوموزه دیویس را نشان می‌دهد.

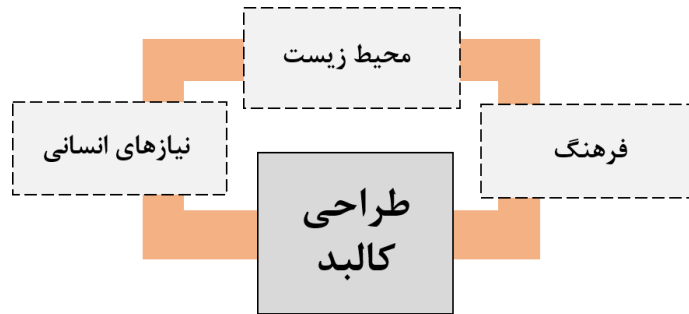


نمودار ۲. مدل اولیه پژوهش بر اساس هم‌پیوندی دیدگاه اکوزوفی گاتاری و انگاره اکوموزه دیویس (نگارنده)

■ نگرش فرهنگی - اجتماعی در معماری

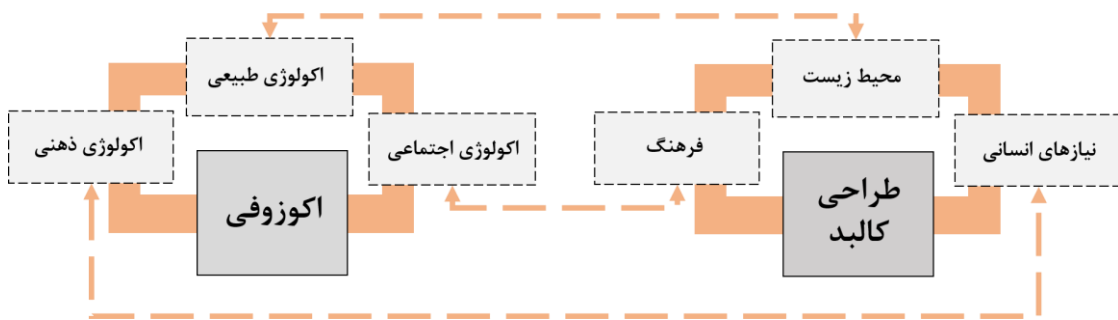
فرهنگ یک مفهوم و ساختار نظری است، از سوی دیگر یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، جهان بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن می‌باشد (پوردیپیمی، ۱۳۹۰، ۳). فرهنگ از جمله موضوعات پیچیده‌ای است که جایگاه تاملات نظری در عرصه زیبایی‌شناسی، فلسفه هنر و پژوهش‌های علمی و تجربی در حوزه‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد. حضور تاریخی یک فرهنگ و مشخصه‌های بنیادین آن، همان‌هایی هستند که در تفسیر رفتارهای انسانی نقشی تعیین‌کننده دارند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۷، ۵۱). در فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، ادراکات حسی براساس تجارب متفاوت، مختلف‌اند و معماری هر فرهنگی، دستچینی انتخابی از این ادراک است. مردم با فرهنگ‌های مختلف در جهان حسی متفاوت زندگی می‌کنند و تجربه‌ای که از طریق این مجموعه از انتخاب‌های حسی مرتبط با الگوهای فرهنگی به دست می‌آید، با تجربه‌ای که از طریق دیگری درک می‌شود، کاملاً متفاوت است (هال، ۱۳۸۷، ۳). در دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگ، باورها و روش زندگی را جز مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری معماری می‌دانند. بر اساس این نگرش می‌توان طراحی پایدار به لحاظ اجتماعی را چنین تعریف نمود:

" طراحی فضاهایی که با فرهنگ، رفتارها و روش‌های زندگی انسان برای حداکثر زمان ممکن همخوانی داشته باشند و بستر مناسب زندگی برای زمان‌های طولانی را فراهم کنند؛ چنان که کیفیت فضایی در طول زمان با نیازهای انسان هماهنگ باشد و کیفیت زندگی او را تضمین کند." محققین فرهنگ‌گرا معتقدند شکل ظرف مکانی معلولی است از فرهنگ آن جامعه، که هر کدام یکی از این علل را عامل شکل‌گیری بنا می‌دانند. بنا بر نگرش فرهنگی-اجتماعی، بنا محصولی است که در ارتباط با طبیعت، اجتماع، ایدئولوژی جهان‌بینی، روش زندگی، نیازهای اجتماعی و روانی، نیازهای مادی، نیازهای فردی و گروهی، منابع اقتصادی و فنون قابل‌دسترس شکل می‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب نمودار ۳. مدل اولیه پژوهش بر اساس برهم‌کنش ۳ مولفه فرهنگ، محیط‌زیست و نیازهای انسانی در کیفیت طراحی کالبد را نشان می‌دهد.



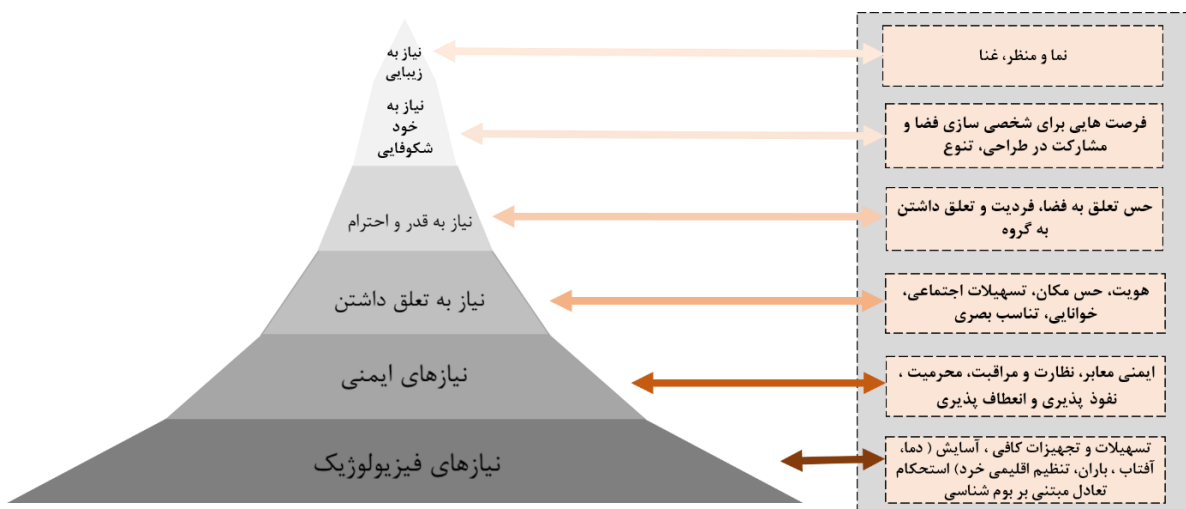
نمودار ۳. مدل اولیه پژوهش بر اساس تاثیر برهم کنش نیازهای انسانی، فرهنگ و محیط زیست در کیفیت طراحی کالبد (نگارنده)

صاحب نظران نگرش فرهنگ گرا، نیروهای تاثیرگذار بر شکل گیری بنا را به دو گروه عوامل تعیین کننده غیرمادی و عوامل تعیین کننده مادی تقسیم می نمایند. عامل ها به نیروها، شرایط و تأثیراتی گفته می شود که با دیگر چیزها عمل نموده و حاصل آن نتیجه ای خاص در بر داشته باشد. بر این اساس نمودار ۴. مدل تطبیقی بر اساس انگاره اکوزوفی و کیفیات تاثیرگذار در طراحی کالبد را نشان می دهد.



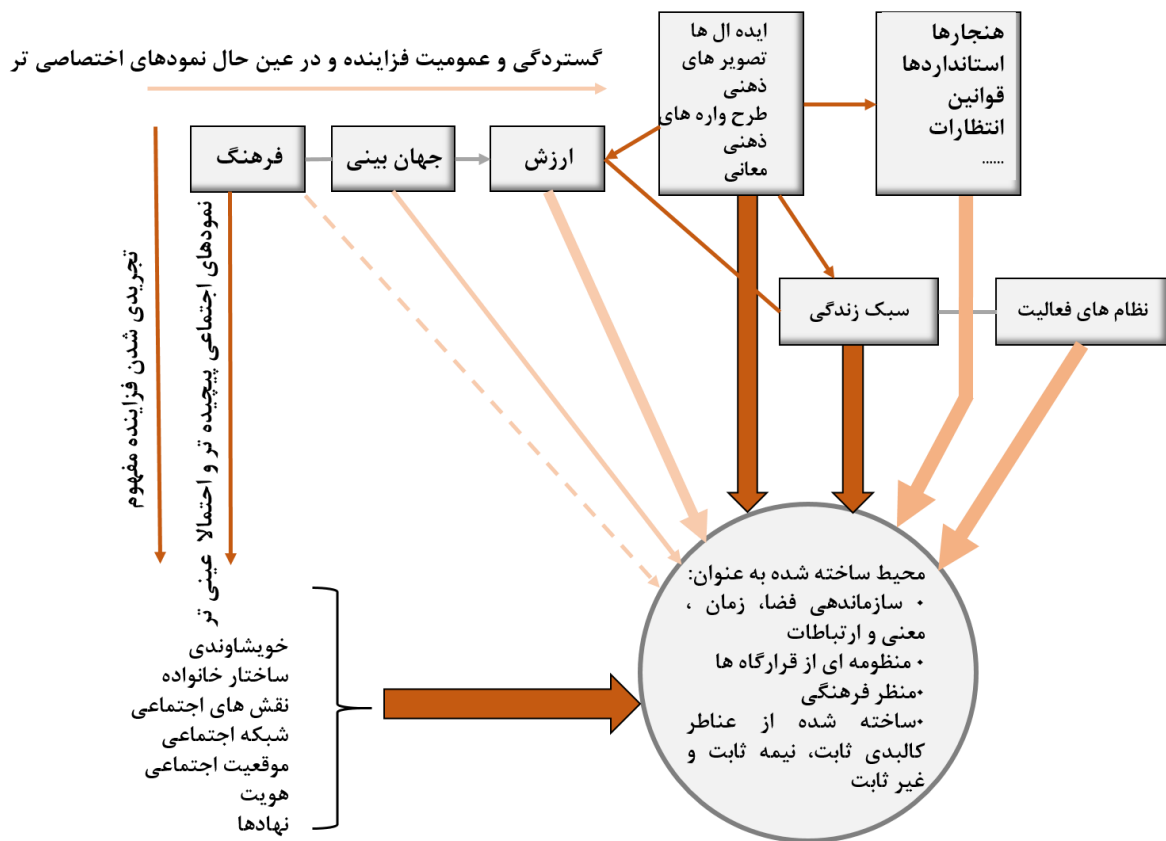
نمودار ۴. نمودار تطبیقی بر اساس مدل اکوزوفی و کیفیات تاثیرگذار در طراحی کالبد (نگارنده)

بنابراین پی بردن و فهم نیروها، شرایط و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر درک درست از طراحی کالبد می باشد. به این ترتیب نمودار ۵. ارتباط اولین مولفه یعنی نیازهای انسانی با کیفیت طراحی کالبد تحت مدل تطبیقی هرم مازلو را نشان می دهد.



نمودار ۵. نمودار سلسه مراتب نیازهای انسانی از دیدگاه مازلو و ارتباط آن با کیفیت طراحی کالبد (نگارنده)

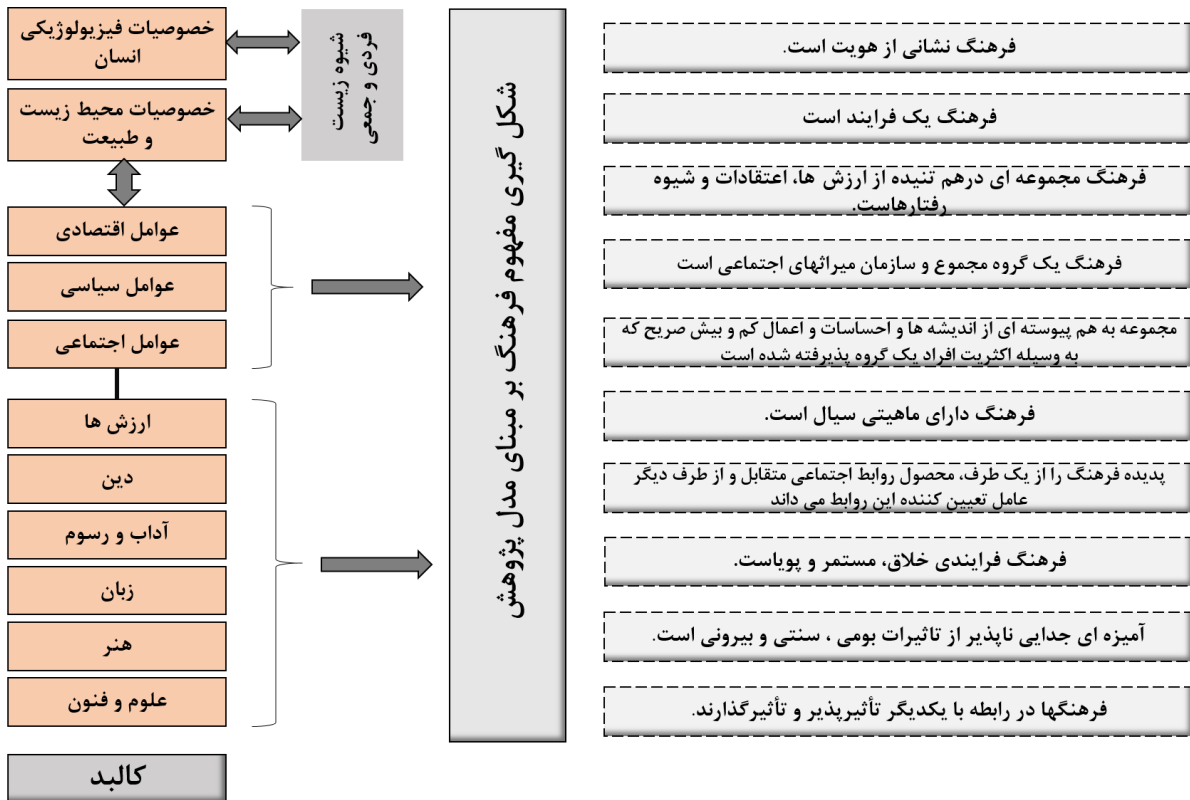
یکی دیگر از اندیشمندان که در حوزه انسان‌شناسی، به جایگاه فرهنگ و نقش آن در زندگی انسان اشاره دارد، آموس راپاپورت است. راپاپورت، به مطالعه مولفه فرهنگی فضا پرداخته است و توجه ویژه وی به فضا و ارتباطات آن با حوزه انسان‌شناسی می‌باشد. او به عنوان یکی از صاحب‌نظران عرصه نو ظهور انسان‌شناسی فضا و مکان شناخته شده است. رویکرد انسان‌شناختی آموس راپاپورت در زمینه فرهنگ و معماری، بیان می‌دارد که فضا به وسیله فرایندهای سرچشمه گرفته از کالبد انسان هم‌چون پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود و در رابطه‌ای متقابل بر کالبد انسان نیز تاثیر می‌گذارد. در این رویکرد که از اوایل ۱۹۹۰ م. مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است، فضا نه تنها بستر فرایندها و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی است، بلکه به واسطه آن‌ها ساخته شده و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد (اسماعیلی، ۱۳۸۶). نمودار ۶، رابطه بین فرهنگ و طراحی کالبد تحت عناوین مطرح شده بر گرفته از نظرات راپاپورت را نشان می‌دهد.



نمودار ۶. اجزای فرهنگ و نسبت آن با طراحی کالبد (نگارنده برگرفته از راپاپورت)

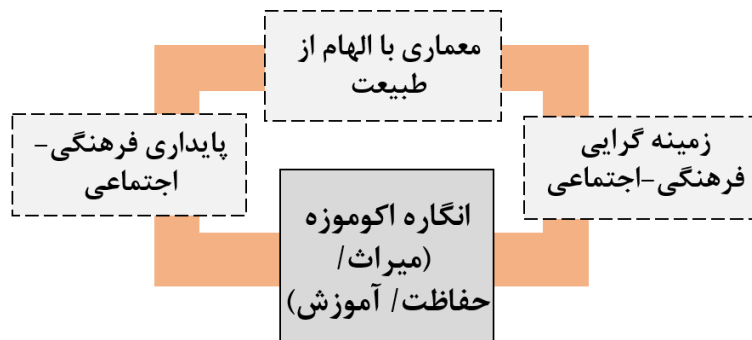
بدین ترتیب مفهوم میراث فرهنگی با گذشت زمان تغییر کرده است و به مفهوم جدید حاصل روند تحول جامعه جدید، ارزش‌ها و نیازهای انسانی مبدل شده است. ویرانی عظیم ناشی از دو جنگ جهانی و توسعه صنعتی عمده‌ای که از دهه ۱۹۵۰ م. بدین سو رخ داده است، مردم را به درک این واقعیت سوق داد که زندگی آن‌ها رابطه تنگاتنگی با محیط زندگی و کارشان دارد. این امر اساس هویت فرهنگی مردم و مرجع فکری و معنوی برای کیفیت متعادل زندگی است (حبیبی‌زاد، ۱۳۸۷، ۶۰). امروزه تمایل به درک میراث فرهنگی در وسیع‌ترین مفهوم آن وجود دارد یعنی

آن چیزی که حاوی همه نشانه‌های اثبات‌کننده فعالیت‌ها و دستاوردهای بشر در طول زمان است. باتوجه به مطالب و نمودارهای بیان شده، مدل اولیه مرحله اول در قالب نمودار ۷ ارائه گردیده است.



نمودار ۷. مدل اولیه پژوهش بر مبنای برهم کنش کالبد، فرهنگ و نیازهای انسان (نگارنده)

براین اساس چهارچوب نظری طرح در قالب مدل ثانویه پژوهش بر اساس برهم‌کنش سه رویکرد پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و معماری با الهام‌گیری از طبیعت در قالب نمودار ۸ ارائه گردیده است.



نمودار ۸: مدل ثانویه پژوهش بر مبنای برهم‌کنش رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی، پایداری اجتماعی و رویکرد معماری با الهام‌گیری از طبیعت در طراحی اکوموزه (نگارنده)

■ زمینه گرایی

فرهنگ لغت اکسفورد، "زمینه‌گرایی" را یک نظریه که بر اهمیت نقش زمینه تحقیق تاکید دارد، تعریف می‌کند (Oxford, 2013). معنی هر شی ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد و در معماری و شهرسازی، زمینه‌گرایی بین گستره کالبدی یک مکان و یا محیط بصری متن آن، روابطی را ایجاد می‌کند (Wolford, 2004). زمینه‌گرایی با تاریخ و فرهنگ و اجتماع پیوند دارد از این رو، مفهوم مکان را جایگزین واژه فضا می‌سازد (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۲). زمینه‌گرایی به عنوان رویکردی کل‌نگر در طراحی محیط مصنوع، با ارج نهادن به ساختار ذهنی و عینی متن و زمینه، به مثابه رویکردی تکاملی در ابعاد کالبدی، طبیعی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی پدیدار می‌شود (برولین، ۱۳۸۶).

■ زمینه گرایی اجتماعی-فرهنگی

مردم در یک جامعه توسط فرهنگ، یعنی ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی‌های مشترک، به محیط خود معنی می‌دهند. طراحان در این رویکرد زمینه را مشتمل بر داشته‌های فرهنگی و اجتماعی یک منطقه دانسته و متعهد به حفظ آن می‌گردند (Rapoport, 1977, 6).

■ اهمیت بررسی معنا در محیط ساخته شده

چگونگی عکس‌العمل مردم در محیط و اساس رفتار آن‌ها در محیط نشان از اهمیت شناخت "معنی محیط ساخته شده" دارد. اهمیت معنا بر این مبنا است که فکر انسان به طور ویژه سعی در ایجاد معنی با استفاده از تشخیص (تمایز)، دسته بندی، شکل‌ها و انگاره‌ها می‌نماید. عناصر کالبدی نه تنها دسته‌بندی‌های پایدار و قابل رویت فرهنگی را به وجود می‌آورند، بلکه واجد معنی نیز می‌باشند. بدین معنی که می‌توان آن‌ها را هنگامی که با انگاره‌های ذهنی مردم تطابق داشته باشند، کدگذاری کرد (راپاپورت، ۱۳۹۱، ۱۸).

■ عملکرد تداوم حافظه محیط

محیط با یکسری اشارات موجود، با اتخاذ انتخاب‌های مناسب در ارتباط است. لذا می‌توان عنوان نمود محیط به عنوان تداومگر حافظه عمل می‌کند. محیط خاصیت یادآوری کننده‌اش را از یادآوری اشخاص و محل‌ها می‌گیرد. عملی شدن این فرایند بستگی به اشاراتی دارد که از نظر فرهنگی درک شده باشد، و نیز فرهنگی که آموخته شده است (یا در مواقعی با فرهنگ‌سازی) عملکرد تداوم حافظه محیط با حافظه گروهی و جمعی مطابق است (راپاپورت، ۱۳۹۱، ۹۳).

■ معماری با الهام‌گیری از طبیعت (معماری زیست‌واره)

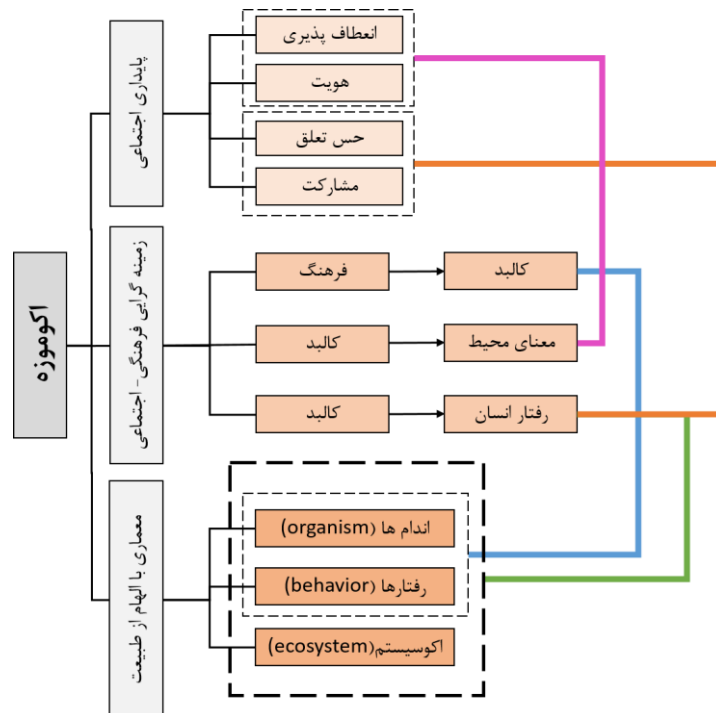
بهره‌گیری از طبیعت یکی از موضوعات رایج و شناخته شده در طراحی، مهندسی و صنعت است که بهره‌گیری از آن بسیاری از چالش‌های پیش روی انسان امروزی را مرتفع ساخته است (محمودی نژاد، ۱۳۸۹). معماری زیست‌واره از واژه یونانی bios به معنی زندگی و mimesis به معنی الهام گرفتن تشکیل شده است. معماری زیست‌واره در سه سطح اندام‌ها، رفتارها و اکوسیستم تجلی می‌یابد (Pedersen Zari, 2007). بر اساس مطالب مطرح شده، نمودار ۹ مدل پژوهش بر اساس ارتباط سه حوزه زمینه‌گرایی اجتماعی، پایداری اجتماعی و معماری با الهام از طبیعت را نشان می‌دهد. با توجه به مطالب مطرح شده موزه‌های فضای باز، در واقع مفهوم تاریخ مردمی و زندگی روزمره انسان‌ها را نشان می‌دهند و زندگی مردم شهرنشین، کارگران و نحوه سکونتشان را تشریح می‌کنند. بازدیدکنندگان علاوه بر شناخت انواع گونه‌های معماری موزه، با روش زندگی گذشته مردمان آشنا می‌شوند. بر اساس مباحث مطرح شده و مطالعات صورت گرفته پیرامون اکوموزه‌های منتخب، مشخصات مربوط به موزه فضای باز اسکانسن، موزه فضای باز ارنه‌ایم، موزه فضای باز بالنبرگ، اکوموزه الزاس و موزه میراث روستایی گیلان در قالب جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲. اطلاعات تطبیقی موزه‌های فضای باز و روستایی (نگارنده)

نام موزه	تاریخ احداث	مساحت سایت	تعداد بنا	تنوع معماری	ویژگی های اکوموزه	تصویر
موزه فضای باز اسکانسن سوئد	۱۸۹۱ م.	۳۰ هکتار	۱۵۰ روستایی ۱۵ شهری	-	خانه‌های روستایی از مناطق مختلف سوئد جمع‌آوری و در سایت دوباره چینی شدند. یک کلیسای چوبی قرن هجدهم و یک ساختمان گردهمایی روستاییان، از جمله بناهای ساخته شده در موزه هستند.	 تصویر ۱. اکوموزه اسکانسن (URL 1)
موزه فضای باز آرنه‌هایم هلند	۱۹۱۲ م. (احداث) ۱۹۱۸ م. (گشایش)	۴۴ هکتار	۸۰ واحد	-	علاوه بر بناها، با ایجاد زمین‌های کشاورزی، باغ گیاهان دارویی، کشت و زراعت قرن هفدهم و حیوانات، محیطی مشابه گذشته ایجاد شده و فعالیت‌هایی مانند پخت نان و تولید شیرینی، ساخت کاغذ به شیوه سنتی نیز در این موزه انجام می‌گیرد.	 تصویر ۲. اکوموزه آرنه‌هایم (URL 2)
موزه فضای باز بالنبرگ سوییس	۱۹۷۸ م. (گشایش)	۶۶ هکتار	بیش از ۱۰۰ واحد	۱۲ گونه سرشاخه	بالنبرگ انعکاسی از مناسبت اجتماعی مناطق مختلف سوئیس می‌باشد. هم زمان با انتقال بناها، تجهیزات منزل، ابزار کار و زندگی روزمره روستایی نیز به موزه منتقل شدند تا تصویری از زندگی روستایی سوئیس عرضه شود.	 تصویر ۳. اکوموزه بالنبرگ (URL 3)
اکوموزه الزاس فرانسه	۱۹۸۳ م. (گشایش)	۱۱۰ هکتار	۷۰ واحد	۱ گونه سرشاخه	این موزه به بررسی و ارائه زندگی مردمان روستایی به نام آلزاس می‌پردازد که قدمت آن‌ها به زمان پیش از دوران انقلاب صنعتی برمی‌گردد. اتاق‌های موزه آلزاس به سبک‌هایی (جلگه‌ای و کوهستانی) طراحی شده‌اند.	 تصویر ۴. اکوموزه الزاس (URL 4)
موزه میراث روستایی گیلان	۲۰۰۵ م.	۲۶۳ هکتار	۸۰ واحد	۹ گونه سرشاخه	بناهای متعلق به ۷ روستا مربوط به حوزه‌های فرهنگی-معماری جلگه شرق، غرب و مرکز، کوهپایه شرق و غرب، کوهستان شرق و غرب در موزه دوباره چینی شده علاوه بر آن، بنای انبار برنج، تلمبار، طویله و ... دوباره‌سازی شده است.	 تصویر ۵. موزه میراث روستایی گیلان (نگارنده)

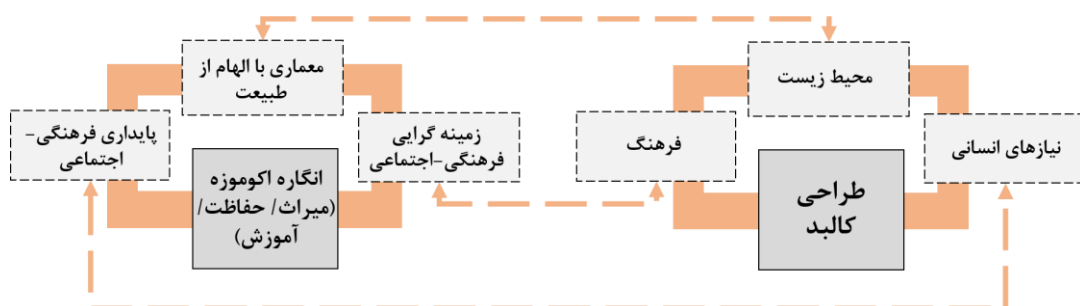
تحلیل یافته‌ها

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش مبانی نظری، هریک از مولفه‌های تاثیرگذار در حوزه فرهنگ، طبیعت و نیازهای انسانی در تطبیق با انگاره اکوموزه و مفهوم اکوزوفی استخراج شده و در قالب نمودار ۱۱ (مدل نهایی پژوهش) در تطبیق با مولفه‌های طراحی کالبد با در نظر گرفتن رویکردهای زمینه‌گرایی فرهنگی- اجتماعی، پایداری اجتماعی و معماری با الهام‌گیری از طبیعت مطرح شده است. بدین ترتیب نمودار ۹. مدل پژوهش بر اساس ارتباط سه حوزه زمینه‌گرایی اجتماعی، پایداری اجتماعی و معماری با الهام‌گیری از طبیعت را نشان می‌دهد.



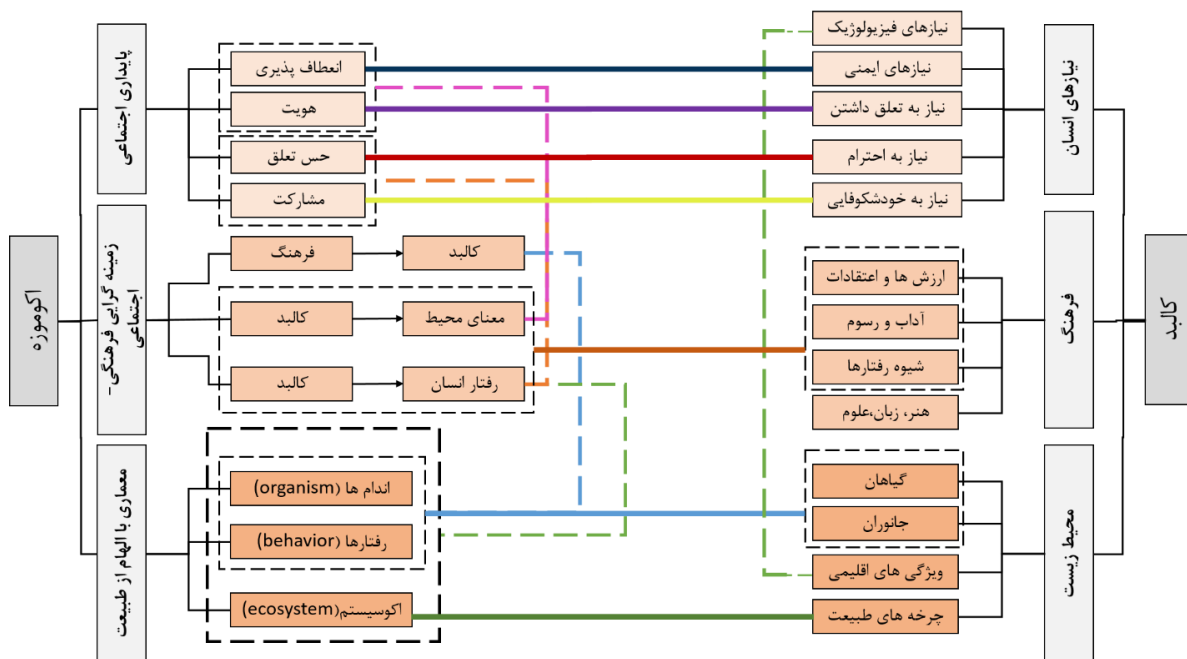
نمودار ۹. مدل پژوهش بر اساس ارتباط سه حوزه زمینه‌گرایی اجتماعی، پایداری اجتماعی و معماری با الهام از طبیعت (نگارنده)

چگونگی عملکرد این فرایند بسیار مهم است. بیماری عصر ما زمانی در افراد عمومیت می‌یابد که مجبور به انتخاب گروهی از اعمال شوند که زمینه‌های ذهنی کافی در مورد آن‌ها ندارد. محیط‌های عصر حاضر، از لحاظ کالبدی و اجتماعی، اطلاعات کمتری برای کمک به مردم و برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند (Rapoport, 1977). با توجه به مطالب بیان شده، نمودار ۱۰. مدل تطبیقی پژوهش بر اساس ارتباط نمودارهای سه‌گانه را نشان می‌دهد.



نمودار ۱۰. نمودار تطبیقی بر اساس مدل‌های اولیه و ثانویه مطرح شده (نگارنده)

در مقایسه تطبیقی، هریک از مولفه‌های ذکر شده در حوزه فرهنگ، محیط‌زیست و نیازهای انسانی با مولفه‌های استخراج شده در حوزه زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی، پایداری اجتماعی و معماری با الهام‌گیری از طبیعت مرتبط خواهند بود و ریز مولفه‌های مشترک استخراج شده از آن‌ها در قالب نمودار زیر ارائه گردیده است. باتوجه به مدل تطبیقی ذکر شده، نمودار ۱۱. مدل تطبیقی نهایی (بر اساس ریز مولفه‌های هریک از رویکردها) پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار ۱۱. مدل نهایی پژوهش (نگارنده)

■ موزه میراث روستایی گیلان

در پی شناسایی ابزارها و راهکارهایی از جنس اکوزوفی (آنگونه که گاتاری از آن یاد می‌کند) موزه میراث روستایی گیلان نمونه مناسبی از اکوموزه‌های ساخته شده در ایران می‌باشد تا با تحلیل جنبه‌های گوناگون تاثیرگذار این موزه بر اکولوژی‌های زندگی انسان، به درک صحیح چنین تلاشی در قرن بیست و یکم دست یافته شود. فکر برپایی این موزه پس از زمین‌لرزه ۱۳۶۹ ه.ش. رودبار، توسط دکتر محمود طالقانی شکل گرفت. چندروز پس از وقوع حادثه، مجموعه مطالعاتی تحت عنوان "اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از زمین‌لرزه" آغاز گردید. نتایج این مجموعه تحقیقات بیانگر دگرگونی شدید در زندگی مردم بود. اما در حقیقت از بین رفتن روش زندگی سنتی به بهانه نوسازی و توسعه در مناطق آسیب دیده در استان گیلان همانند سایر مناطق کشور از دهه ۲۰ ه.ش. آغاز شد و حوادث طبیعی تنها تشدید این روند تخریب را در پی داشت. متأسفانه این روند تخریب در کشور ما موجب شکل‌گیری تفکری ضد شیوه زندگی روستایی و عیب دانستن "دهاتی بودن" شد تا آنجا که هر چیز ناپسند و ناهنجاری با صفت "دهاتی" شمرده می‌شود؛ بنابراین مردم هرچه را که سنتی بود به دور می‌اندازند و هرچیز جدیدی را با آغوش باز پذیرا می‌شوند. فنون خانه‌سازی و مصالح بومی پست شمرده شده و وسایل مورد استفاده و لباس‌های سنتی یا به دور انداخته و یا در صندوق خانه‌ها انبار می‌شوند. نتیجه آن که، دیگر کسی برای ساختن و

آراستن خانه به تجربه خانه پدری رجوع نمی‌کند (گزارش عملکرد موزه میراث روستایی گیلان، ۱۳۹۵). در همه جای گیلان خانه‌هایی بدون ایوان، اتاق‌هایی تودرتو، دیوارهایی بلند بدون توجه به شرایط اقلیمی ساخته می‌شوند که در آن‌ها زنان و مردانی بریده از ریشه‌ها زندگی می‌کنند (موسوی، ۱۳۹۴).

بر مبنای تنوع فرهنگی و معماری، حوزه فرهنگی- معماری گیلان بدون در نظر گرفتن تقسیمات کشوری و سیاسی به ۹ زیرحوزه دسته‌بندی شد. تقسیم‌بندی این حوزه‌ها بر اساس عوامل زیست‌محیطی (توپوگرافی، اقلیم)، نوع فعالیت کشاورزی، فرهنگ (مذهب، گویش، زبان) و نوع معماری بومی روستایی صورت پذیرفت. این ۹ زیرحوزه فرهنگی- معماری عبارتند از: ۲ حوزه سرشاخه شرق و غرب که هر یک دارای ۴ زیر شاخه ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی می‌باشند به علاوه حوزه جلگه مرکزی، هر یک از این زیرحوزه‌ها در قالب یک روستای متشکل از گونه‌های اصیل و معرف معماری آن حوزه در سایت موزه بازسازی شده‌اند که در ۴۵ هکتاری مرکز سایت موزه قرار دارد. افزون بر این در طراحی سایت، فضاهای جداگانه‌ای برای نمایش‌ها و بازی‌های سنتی، پرورش گیاهان دارویی و درختان بومی، کارگاه صنایع دستی و رستوران‌های سنتی- محلی و در نظر گرفته شده که بخش عمده‌ای از این فضاها تاکنون به بهره‌برداری رسیده‌اند. برای انتقال بناهای روستایی هر یک از این حوزه‌ها، ابتدا حوزه مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته و مطالعات میدانی به منظور گونه‌شناسی بناهای آن صورت می‌گیرد. در موزه میراث روستایی گیلان سعی شده تا با اجرای مراسم و جشن‌های سنتی گیلان به مناسبت‌های مختلف، مانند عروس بران، عروس گوله، نوروزی خوانی، تعزیه خوانی، شب یلدای گیلانی فضای جامعی از بستر فرهنگ بومی گیلان بازسازی شود. بخش مهمی از فرهنگ و دانش بومی در گیلان، همچون سایر مناطق ایران، به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه تا به امروز نقل شده است که بی‌شک در خطر نابودی قرار دارد. تاکنون ۳۶ بنای موزه در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده، هم‌چنین عرصه و حرایم موزه ثبت شده است. انتقال بناها به موزه‌های روستایی هرچند ملموس‌ترین فعالیت صورت گرفته در آن محسوب می‌شود، اما تنها یک وجه این فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد. چیدمان بناها با اشیاء و ابزارآلات سنتی که کارشناسان موزه از روستاها گردآوری می‌کنند، انجام گرفته است. برای باززنده‌سازی فعالیت‌های سنتی در روستاها، علاوه بر خانه، بناهای جانبی مثل انبار برنج، تلمبار و طویله و باغچه سبزیجات و صیفی‌جات در محوطه همه خانه‌ها ایجاد شدند (گزارش عملکرد موزه میراث روستایی گیلان، ۱۳۹۵). خانه‌های روستایی گیلان براساس سه محور انسان، طبیعت و معماری شکل گرفته است. انسان به عنوان خالق بنا، طبیعت به عنوان بستر دربرگیرنده و سرچشمه مصالح به کار رفته و معماری که عامل ایجاد تعادل بین انسان و طبیعت است. مرز بنا با طبیعت، نامحسوس و شفاف است. به گونه‌ای که پنداری خانه، نور، باد و گیاه را به درون فرا می‌خواند. جریان زندگی در حیاط و پیرامون بنا مانند حرکت سیالی است که راه به درون دارد. این هماهنگی کامل با طبیعت در نوع مصالح و حتی در فرم آنها قابل مشاهده است (خاکبان و پدرام و امامی، ۱۳۹۹، ۵۱). بدین ترتیب ریز مولفه‌های استخراج شده از مدل نهایی پژوهش در موزه میراث روستایی گیلان در قالب جدول ۳ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. بررسی ریز مولفه‌های استخراج شده از مدل نهایی پژوهش در موزه میراث روستایی گیلان (نگارنده)

موزه میراث روستایی گیلان							
تصاویر	توضیحات	مولفه‌ها	انگاره اکوموزه				
			اکوزوفی				
 <p>تصویر ۶. ایجاد کوران در فضاهای داخلی (طالقانی، ۱۳۹۰: ۶۰).</p> <p>تصویر ۷. تعامل بنا با اقلیم و عوامل جوی (طالقانی، ۱۳۹۰: ۶۰).</p>	<p>تلفیق فضاهای باز، نیمه باز و اتاق‌های تودرتو، امکان ایجاد نفوذپذیری در خانه‌ها ایجاد کرده و پرچین‌های کوتاه، ایجاد انعطاف‌پذیری کرده است.</p> <p>خوانایی موجود در فضاهای مختلف موزه میراث روستایی، بهره‌گیری از مصالح بومی بهره‌گیری از نمادگیلانی به تثبیت هویت‌گیلانی کمک کرده است.</p> <p>خاطره‌انگیزی اکوموزه به واسطه ایجاد تصاویر ذهنی در زمینه مشترک، تسهیلات اجتماعی و نیز ایجاد زمینه‌ای در جهت فعالیت‌های گروهی باعث ایجاد حس تعلق در بازدیدکنندگان اکوموزه شده است.</p> <p>مشارکت مردم در بازسازی فضاهای جمعی از فرهنگ گیلانی، مراسم سنتی مناسبت‌های مختلف مانند: عروس گوله، نوروزی خوانی، تعزیه خوانی.</p>	<p>انعطاف پذیری</p> <p>هویت</p> <p>حس تعلق</p> <p>مشارکت</p>	<p>نیازهای انسان (پایداری اجتماعی)</p> <p>اکولوژی ذهنی</p>				
	 <p>تصویر ۸. مراسم نوروزی خوانی سنتی در موزه میراث روستایی گیلان (URL 5)</p>  <p>تصویر ۹. گلیم‌بافی در موزه میراث روستایی گیلان (URL 6)</p>	<p>فرهنگ گیلانی باعث شکل‌گیری کالدهای معماری متناسب با زمینه خود (ساختمان برون‌گرا متناسب با اقلیم) و هویت گیلانی سبب ایجاد ارتباط فراوان انسان با طبیعت در اکوموزه گیلان شده است.</p> <p>کدهای ظاهری و معنایی دریافتی از کالبد خانه‌ها و محیط اکوموزه میراث‌روستایی گیلان سبب بازسازی خرده فرهنگ گیلانی و شکل‌دهنده تصویر ذهنی و خاطرات مفهومی در تجربه بازدیدکنندگان است.</p> <p>در اکوموزه گیلان، محیط به عنوان تداوم‌گر حافظه عمل کرده و رفتارهایی که از مردم انتظار می‌رود متناسب با اکوموزه است و محیط خاصیت یادآوری‌کننده‌اش را از یادآوری اشخاص و مکان‌ها می‌گیرد.</p>		<p>زمینه گرایی فرهنگی - اجتماعی</p> <p>معنی محیط ساخته شده</p> <p>رفتار انسان در کالبد ساخته شده</p>	<p>فرهنگ (زمینه گرایی فرهنگی - اجتماعی)</p> <p>اکولوژی اجتماعی</p>		
		 <p>تصویر ۱۰. استفاده از ساقه‌برنج در بناهای اکوموزه گیلان (طالقانی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).</p>  <p>تصویر ۱۱. خانه روستایی در موزه میراث روستایی گیلان (نگارنده)</p>		<p>بهره‌گیری از اندام‌های گیاهان بومی نظیر نی‌خیزران و ساقه‌برنج در ساخت بناها در موزه میراث روستایی گیلان که متناسب با اقلیم این منطقه است.</p> <p>رفتار ساقه‌برنج مورد استفاده در سقف بناهای اکوموزه که در مواقع بارندگی افزایش حجم پیدا کرده و مانع از نفوذ باران به داخل شده و در روزهای آفتابی با کاهش حجم سبب تهویه هوا می‌شود.</p> <p>اکوسیستم‌های طبیعی موجود در گیلان (چرخه باران) که در زمینه‌های گوناگون کشاورزی و ... استفاده شده و امکان جمع‌آوری آب از طریق کانال‌ها و تصفیه و بازگشت به سیستم آب مصرفی را دارد.</p>		<p>اندام‌ها</p> <p>رفتارها</p> <p>چرخه های طبیعت</p>	<p>محیط زیست (معماری با الهام از طبیعت)</p> <p>اکولوژی طبیعی</p>

نتایج حاصل از جدول ۳. نشان می‌دهند که در مقایسه تطبیقی هریک از مولفه‌های اکوزوفی در سه سطح اکولوژی ذهنی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی طبیعی با رویکردهای مورد بررسی (به ترتیب شامل پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و معماری زیست‌واره) شباهت‌های معناداری وجود دارد و این شباهت‌ها در اکوموزه‌ها و به ویژه موزه میراث روستایی گیلان (که نمونه موردی منتخب پژوهش می‌باشد) در قالب شباهت‌های عینی، عملکردی و کالبدی (به طور مثال در ساختار بناها، مصالح به کار رفته در بناهای دوباره‌سازی شده در حوزه اندام‌ها و رفتارها در رویکرد معماری با الهام‌گیری از طبیعت و اکولوژی طبیعی در حوزه اکوزوفی) نمایانگر است.

■ نتیجه‌گیری

استفاده از تجربیات گذشتگان یعنی روش زندگی آن‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها، هنرها، صنایع دستی و تکنولوژی نه تنها می‌تواند به راهگشایی زمان حال و آینده‌مان کمک کند بلکه مدرنیزاسیون را در مسیری هدایت می‌نماید که انعکاسی از تنوع فرهنگی و تمایزات منطقه‌ای باشد. موزه‌های فضای باز که در ارتباط با اقشار و گروه‌های مختلف مردم هستند، نقشی مهم در آگاهی‌بخشی اجتماعی بازی می‌کنند، زیرا درک هویت محلی، منطقه‌ای و ملی در نهایت به ایجاد شهرها و روستاهایی با شهروندانی آگاه می‌انجامد. اهمیت موزه میراث روستایی گیلان به عنوان راهکاری برای تاثیرگذاری بر اکولوژی‌های سه‌گانه زندگی امروز انسان معاصر می‌بایست در جنبه‌های مختلف تولیدات ذهنی، اجتماعی و کالبدی موزه مورد توجه قرار گیرد. چرا که حتی زمانی که کودکان در بازدید از موزه و تحت تاثیر این محیط به مناسبت جشنواره‌های تابستانی و نوروزی موزه، نقاشی می‌کشند، در واقع ذهنیت فردی خود تحت تاثیر موزه را خلق می‌کنند. آنچه بدان اشاره شد تنها بخشی از تاثیرات موزه میراث روستایی گیلان بر ذهنیت فردی، تولیدات اجتماعی و زیست محیطی انسان ایرانی و بالاخص گیلانی امروز می‌باشد. تلاش موزه میراث روستایی گیلان منجر به خلق جلوه‌گاهی از هر سه اکولوژی، محیط‌زیست و مناظر خلق شده^۵ روستاهای بازسازی شده و ارتباط فضاها و نوع معیشت روستاییان جلوه‌ای از اکولوژی اجتماعی^۶ و فضاهای زندگی در خانه‌های روستایی جلوه‌ای از اکولوژی فردی^۷ می‌باشد. با خلق این بستر ملموس که از ابزار و اشیا زندگی تا نحوه معیشت و نوع ارتباط خانوادگی و اجتماعی روستاییان را برای بازدیدکننده به جلوه درمی‌آورد انسان امروزی با آیین‌های آشناسازی پدران و مادرانش مواجه می‌گردد. این مهم موجب خواهد شد تا اکوموزه به مثابه راهکاری منطبق بر کیفیات اکوزوفی بیننده را به معرفت زیستن اجدادش نزدیک کرده و نوع ارتباط فردی پدران با محیط اجتماعی و محیط طبیعی پیرامونش را لمس کند.

باتوجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته پیرامون مولفه‌های استخراج شده از مدل نهایی پژوهش در موزه میراث روستایی گیلان و مقایسه تطبیقی هریک از مولفه‌های رویکرد اکوزوفی در سه سطح اکولوژی ذهنی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی طبیعی با رویکردهای مورد بررسی (به ترتیب شامل پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و معماری زیست‌واره) می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین این مولفه‌ها، شباهت‌های معناداری وجود دارد که بازتاب آن در انگاره اکوموزه‌ها و به ویژه موزه میراث روستایی گیلان تجلی یافته است. این شباهت‌ها در ابعاد مختلف جنبه‌های عینی، کالبدی و عملکردی موزه میراث روستایی گیلان نمایانگر است. به عنوان مثال در بعد کالبدی (بهره‌گیری از ساقه‌های برنج در سقف خانه‌های سنتی موزه که رفتاری دوگانه دارند و در مواقع بارندگی با افزایش حجم همراه هستند و مانع از نفوذ آب باران به داخل بنا می‌شوند و در روزهای افتابی، با کاهش حجم باعث تهویه هوا می‌شوند در قالب یک رفتار پایدار در رویکرد معماری زیست‌واره و در ارتباط با (سطح اکولوژی طبیعی) رویکرد اکوزوفی عمل می‌نمایند. در بعد عملکردی موزه میراث روستایی گیلان رفتاری در قالب تداومگر حافظه از معنی محیط ساخته

شده خود نشان می‌دهد و با برگزاری مراسم سنتی نظیر نوروزی‌خوانی، عروس‌گوله و ... تصویر ذهنی و خاطرات مفهومی در تجربه بازدیدکنندگان می‌آفریند که در راستای (سطح اکولوژی اجتماعی) رویکرد اکوزوفی و منطبق بر رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی می‌باشد. همچنین مشارکت مردم در بازسازی فضاهای جمعی از فرهنگ گیلانی، مراسم سنتی مناسبت‌های مختلف می‌تواند در ارتباط با (سطح اکولوژی ذهنی) رویکرد اکوزوفی عمل نماید و به تثبیت هویت گیلانی بی‌انجامد. در این حوزه، خاطره‌انگیزی موزه میراث روستایی گیلان به واسطه ایجاد تصاویر ذهنی در زمینه مشترک می‌تواند در قالب (سطح اکولوژی فردی) رویکرد اکوزوفی عمل نماید و موجب ایجاد حس تعلق که یکی از ریزمولفه‌های رویکرد پایداری اجتماعی است، نمایانگرشود.

در جهت پاسخ به پرسش‌های مطرح شده می‌توان این‌گونه اذعان نمود در مقایسه تطبیقی هریک از مولفه‌های اکوزوفی در سه سطح اکولوژی ذهنی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی طبیعی با رویکردهای مورد بررسی (به ترتیب شامل پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و معماری زیست‌واره) شباهت‌های معناداری وجود دارد و مولفه‌های تشکیل‌دهنده رویکرد اکوزوفی (در سه حوزه اکولوژی شامل اکولوژی اجتماعی، اکولوژی فردی و اکولوژی محیط‌زیست) در تطبیق با مولفه‌های پایداری اجتماعی، زمینه‌گرایی و معماری زیست‌واره نقش بسزایی را بر میزان پایداری اکوموزه‌ها در جوامع بومی و خرده فرهنگ‌ها ایفا می‌کنند و اکوموزه‌ها با بهره‌گیری از این رویکردهای نوین و مولفه‌های مشترک صورت و معنای جدیدی از واژه‌های میراث، حفاظت و آموزش (که رسالت اصلی انگاره اکوموزه‌ها می‌باشد) را به بازدیدکنندگان و خرده فرهنگ‌ها انتقال می‌دهند. باتوجه به آنچه در خصوص روند تکاملی اکوموزه‌ها مورد توجه قرار گرفت، می‌توان این پدیده فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی را مانند یک تحول نمادین در عصر جهانی شدن توصیف نمود. در پایان قرن بیستم، اکوموزه‌ها تبدیل به یک حرکت اجتماعی فراگیر شده که دربرگیرنده عناصر و پارامترهای متنوع و تاثیرگذار بوده‌اند. از این رو اکوموزه‌ها را می‌توان قلمرو جغرافیایی خاصی دانست که در آن میراث فرهنگی مورد حفاظت قرار گرفته و از طریق مشارکت مردمی سعی در ایجاد شبکه‌ای منسجم برای شناساندن دانش گذشتگان به نسل فعلی و آینده دارند. این دانش دربرگیرنده ویژگی‌های منحصر به فرد آداب و رسوم، معماری و مهندسی سازه، سازگاری با محیط، تولیدات محلی، زبان، عادات غذایی و پوشش گذشتگان خواهد بود. از این منظر اکوموزه‌ها فضاهایی کاملاً وابسته به طبیعت محسوب شده که در مسیر تحولات اجتماعی شکل خود را باز یافته‌اند. مکان‌هایی با هویت حقیقی که سرمایه محلی، ملی و جهانی قلمداد می‌شوند.

پی‌نوشت

۱. Ecosophy.
۲. Biomimicry
۳. Arne Naess
۴. Hugves de Varine
۵. Environmental ecologie
۶. Social ecologie
۷. Individual ecologie

فهرست منابع

- آیت‌اللهی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). *بررسی دیدگاه‌های هرمنوتیکی در ساحت‌های مختلف فهم*. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، (۱۱)، ۴۴-۵۷.
- اخوان خرازی، کامیار. (۱۳۸۷). *رویکردی تحلیلی به ضرورت توجه به فرهنگ جوامع*. هویت شهر، (۴)، ۱۳۳-۱۲۵.

- اسماعیلی، شبنم. (۱۳۸۶). *در آمدی بر انسان‌شناسی فضا و مکان. خانه انسان شناسی*، (۴)، ۶۱-۷۵.
- اشرفی، مهناز. (۱۳۸۹). *بررسی مقایسه‌ای مفهوم اکوموزه با موزه‌های سنتی*. دو فصلنامه معماری شهرسازی دانشگاه هنر، (۴)، ۶۱-۷۵.
- برولین، برنت. (۱۳۸۶). *معماری زمینه‌گرا*، ترجمه رضیه رضا زاده، تهران: نشر خاک. (۲۰۰۷).
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). *فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستایی*، (۱۳۴)، ۱۸-۳.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). *زمینه‌گرایی در شهرسازی*. فصلنامه هنرهای زیبا، (۱۰)، ۳۴-۴۳.
- حبیبی زاد، زهرا. (۱۳۸۷). *مفهوم اکوموزه*. نشریه کندوج، (۶).
- دا سام، دیوید. (۱۳۸۷). *راهنمای تشریحی راه‌اندازی موزه با نگاهی به اکوموزه*. ترجمه زینب مرادی و علی صالحی، تهران: سمیرا. (۲۰۰۸).
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۱). *معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی*، ترجمه فرح حبیب، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. (۲۰۱۲).
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۶). *زمینه فرهنگ شناسی، تالیفی در انسانشناسی فرهنگی و مردم‌شناسی*، تهران: نشر عطار.
- خاکبان، مژگان و پدram، بهنام و امامی، محمد امین. (۱۳۹۹). *چالش اصالت اثر و محیط پیرامون آن در موزه‌های فضای باز (موزه میراث روستایی گیلان)*. باغ نظر. ۱۷ (۸۹)، ۴۵-۵۴.
- خلاصه گزارش عملکرد موزه میراث روستایی گیلان. (۱۳۹۵).
- طالقانی، محمود. (۱۳۹۰). *خانه مرادی، میراث معماری روستایی گیلان جلگه مرکز*، نشر آثار هنری فرهنگستان هنر: متن.
- کریمی، اصغر. (۱۳۷۴). *اکوموزه، موزه انسان و بوم*. نشریه موزه‌ها، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کلاتری، فرزاد و رنجبر، محسن. (۱۳۹۳). *اکوموزه و گردشگری زیست‌محیطی*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۹). *معماری زیست‌مینا*. تهران: نشر طحان.
- موسوی، آناهیتا. (۱۳۹۴). *چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی موزه‌های فضای باز در دنیای معاصر*. نشریه کندوج، (۱۱).
- هال، ادوارد. (۱۳۸۷). *بعد پنهان*، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (۲۰۰۸).
- Davis, Peter. (1999). *Ecomuseums Sense of Place*, Newcastle: university press.
- Guattari, Felix. (1989). *Trois ecologies*, Paris: Ed. Galilee.
- Naess, Arne. (1973). *The Shallow and the Deep, Long-Range Ecology movement*. Inquiry, University of Oslo, 16 (1-4), 56-88.
- Pedersen Zari, Maibritt. (2007). *Biomimetic Approaches to Architecture*. Toronto Sustainable Building Conference. 07. Toronto, Canada.
- Rapoport, Amos. (1977). *Human aspects of urban forms: towards a man-environment approach to urban form and design*, Oxford: pergamon press.
- Wolford, Jane. (2004). *Architectural contextualism in the twentieth Century*: with particular references to the architect E. Fay janes and john carl warnecke, thesis Ph.D, georgia institiu of technology.
- Oxford Dictionary. (2013). available in <http://oxforddictionaries.com/us>
- URL 1: Capitaiseuropeias. (2018). *Skansen Eco-Museum*. Retrieved January 25, 2020, from <https://capitaiseuropeias.com/estocolmo/>
- URL 2: Eligasht (2019). *Arnhem Eco-Museum*. Retrieved January 28, 2020, from <https://www.eligasht.com/Blog/travelguide/هلند-فضای-باز-هلند/>
- URL3: European-traveler (2012). *Ballenberg Eco- museum*. Retrieved January 25, 2020, from <https://www.european-traveler.com/switzerland/visit-the-ballenberg-open-air-museum-of-swiss-rural-architecture/>
- URL 4: pass-alsace (2010). *Alsace Eco-museum*. Retrieved January 23, 2020, from <https://www.pass-alsace.com/en/62-ecomuseum-of-alsace>
- URL 5: IRIB news Agency. (2021). *Traditional Nowruz singing ceremony in Guilan Rural Heritage Museum*. Retrieved January 21, 2022, from <https://www.iribnews.ir/fa/news/3385967/>
- URL 6: Electronic Newspaper. (2016). *Carpet weaving in the rural heritage museum of Guilan*. Retrieved January 22, 2020, from <https://www.entekhab.ir/fa/news/259804/>